

کنترل التهرب اقتصاد شرط تضعیف فشار آمریکا

الگوی رفتاری جنگ روانی آمریکا علیه ایران مبتنی بر نحوه تدبیر دولت و مجلس برای اقتصاد تغییر می‌کند

صفحه ۲ را بخوانید



۲ نیروی جهادی در حال خدمت به مردم محروم منطقه اورامان به دست ضدانقلاب شهید شدند

#شهادت_در_غربت

۱۶

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نجفگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
تیران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

فرهنگنگان

شماره مسلسل ۲۸۴۵
شبه ۲۸ تیر ۱۳۹۹
۲۶ ذیحجه ۱۴۴۱
۱۸ جوانی ۲۰۲۰
شماره ۳۰۸۷

www.fdn.ir | Sat | 18 Jul 2020 | vol.12 | No. 3087 | 16 Pages

چرا تلویزیون در رقابت با سریال سازی شبکه نمایش خانگی ضعیف شد؟

پول، سانسور یا فقر مدیریت؟!؟

۱۳، ۱۲



چرا وزیر امور خارجه آمریکا نسبت به همکاری ایران و چین واکنش نشان داد؟

سیاست خارجی وارونه

دانشگاه آزاد در آینده نزدیک ۵۰ درصد نیاز کشور بذر تولید می‌کند

آغاز پروژه ملی خودکفایی بذر

ترکش های حاصل از رشد بدقواره بورس چگونه زندگی ایرانیان را هدف می‌گیرد؟

استتار تورم با شاخص بورس

بیدادداشت

بلند پروازی های همسایه غربی علیه محیط زیست

شود. او می‌گوید: «زمان این را نشان خواهد داد.» فاطمه سالکان از ترک خانه پدری اش که منظره آن مسجد El-Rizk از قرن پانزدهم میلادی است، خودداری کرده است. مسئولان به او هشدار داده‌اند تا خانه‌اش را ترک کند، اما او از معذود کسانی است که طبق قانون عجیب و غریب، خانه جدیدی شامل حالش نمی‌شود. او نوامبر گذشته به من گفت: «آنها چندین بار به من گفته‌اند که بروم. هر بار که یک مهندس می‌آید به او می‌گویم که به شسنا می‌روم.» او دسامبر گذشته از تراس خانه‌اش شاهد بود که مهندسان دانمارکی آخرین بنای یادبود از قرون وسطی -مسجد El-Rizk با وزن ۱۷۰۰ تن و سردر آن با تراش پیچیده‌اش- را از جا بلند کردند، روی چرخ گذاشتند و از رودخانه عبور دادند. آنها این مسجد را روی تپه مصنوعی در شهرک جدید که دولت آن را برای سرهم بند کردن بناهای تاریخی اسقاط شده و ساخت یک نمونه مدرن از پل قرون وسطایی به وجود آورده، قرار دادند. این بناها که قرار است در یک پارک جدید باستان شناسی باشند، در این محل نابه‌جا به نظر می‌رسند. باستان‌شناسان اصرار دارند که این آثار در وضعیت مطلوب باید در جای خود نگهداری شوند، اما اذعان دارند که اگر هیچ گزینه دیگری وجود نداشته باشد، بهتر است که آنها را به‌نحوی نجات داد. اگرچه برای ناب‌گرایان حسن کیف جدید مصنوعی و بدون جذابیت است.

زولکو امر ۴۱ ساله، استاد صنعتکار که یک خیابان را در کنار پارک جدید سنگفرش کرده، می‌گوید: «تاریخ واقعی آن پایین است و ما آن را به زیر آب فرو می‌بریم. ما چیزی را نابود می‌کنیم و بعد سعی می‌کنیم که در آن زندگی کنیم.» خواننده عزیز روزنامه «فرهنگنگان»!

قصه پرغصه دره حسن کیف و ابنیه‌های ۱۲ هزارساله آن به همین جا ختم نمی‌شود. این سد مخزنی که حدود ۱۱ میلیارد متر مکعب گنجایش دارد، بخش دیگری از حقایه دجله که به سوی عراق، هورالعظیم، شط العرب، اروندرود و خلیج فارس رهسپار می‌شد را ربود تا شرایط ادیفکی در باختر ایران بدتر و شتاب بیابان زایی و گسترش چشمه‌های تولید گردو خاک افزایش یابد، رخدادی که باتوجه به جهت باد غالب در منطقه که از غرب به شرق است، آشکار بر حجم و شمار توفان های گردوغبار و ورود ریزگردها به کشور خواهد افزود. اما چرا دولت ایران عملا در برابر چنین آب‌ریایی ویرانگری سکوت کرد؟ چون خودش در طرح انتقال آب زاب- یکی دیگر از سرچشمه‌های دجله در ایران- به دریاچه ارومیه همین کار را تکرار کرد و بنابراین بدیهی است که یک پدر سیگاری نمی‌تواند به فرزندش بگوید سیگار نکش! و خبر بدتر آنکه عبرتی گرفته نشده و هم‌اکنون با ساخت سد چم‌شیر گچساران در بالادست رودخانه زهره، روزگاری بیابانی‌تر با چشمه‌های تولید گردو خاک بیشتر برای خوزستان و به‌ویژه هندیجان به ارمغان خواهیم آورد.

پرداختند و پلیس را خشمگین کردند. او می‌افزاید: «این دلیل شکست ماست. ما در زیباترین نقطه جهان زندگی می‌کنیم، اما نمی‌توانیم قدر این مکان را بدانیم.» پس از سال‌ها هشدار، پایان قصه نگاهان فرا رسید. ماه اوت گذشته، دولت دروازه‌های سد را بست و آبگیری مخزن را آغاز کرد. خانواده‌ها با عجله به ترک روستاها دست زدند، خانه‌هایشان را رها کردند، دام‌هایشان را فروختند و حتی با عجله در بالاتر خانه‌های جدید و جاده برای رسیدن به آنجا ساختند. رمضی نس، مادر چهار فرزند از روستای بززه، آنجا که آب‌نازیر خانه‌اش رسیده بود، می‌گوید: «ما امیدوار بودیم که آب به اینجا نرسد. باور نمی‌کردیم که این سیل جاری شود.»

در شهر کوچک تملی، نشسته بر بالای سد، هرنی اکسو ۶۰ ساله، باید از تراس خانه‌اش به پایین نگاه کند، آنجا که دهقان خانه و املاکش از نخستین زمین‌هایی بودند که به زیر آب فرو رفتند. او با تلخی می‌گوید: «این زمین‌ها متعلق به اجداد ما بود. آنها از ما مهاجر ساختند.» پسر او اکنون یک کارگر ساختمانی بیکار است. در حسن کیف، تحت نظر شدید پلیس، بولدورها بازار قدیمی را در یک آخر هفته در نوامبر گذشته تخریب کردند. زمانی که سقف مغازه علی اصلان کیلیج فرو ریخت و گردوغبار آنجا را پر کرد، چیزی در درون او از هم گسیخته شد. او اندوهگین با یک فریاد همه وسایلیش را به تنهایی در حرکتی اعتراض‌آمیز به آتش کشید.

او بعد از این کار گفت: «این مغازه عمومی من بود. من از دوران کودکی اینجا کار می‌کردم. سوزاندن مغازه‌ام تنها راه برای آمدن با این (تخریب) بود.» چند مغازه پایین‌تر، محمت نوری آیدین ۴۲ ساله، قالی‌های پشمی دستپاش را داخل کیسه‌ها بسته‌بندی کرد. او می‌گوید: «ما نمی‌خواستیم برویم، اما مجبوریم.» او اضافه می‌کند که تنها تعداد کمی از مغازه‌داران استطاعت پرداخت اجاره در شهرک جدید را دارند. دیگر تظاهراتی هم انجام نگرفت. از زمان کودتای ایزیسون در سال ۲۰۱۶ همه اعتراض‌ها ممنوع شده است، رادیکالیسم در سیاست برای محیط‌زیست هم مخرب بوده است. کمپین «نجات حسن کیف» هم بی‌روقت شد. مقامات دولتی اجازه عکاسی نمی‌دهند.

با تخریب بازار، خانواده‌ها اسباب و وسایل خود را بار کامیون‌ها کرده‌اند و به خانه‌های ویژه ساخته شده در شهرک جدید رفته‌اند. آنها آخرین انبارها از درختان و میوه‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند؛ قاب پنجره‌های خانه‌های قدیمی‌شان را کنده‌اند. جلال اوزبی، یک کارمند بازنشسته دولت با دیدن همسر و پسرانش که میزها و وسایل را از خانه بیرون می‌برند، می‌گوید که «قلب‌های ما آتش گرفته.» برای آنها خانه‌ای در شهرک جدید مقرر شده، اما او مطمئن نیست که خانواده آنجا بماند یا اینکه شرایط اقتصادی دوباره زنده

نداشت، اما برای حفظ حسن کیف مبارزه می‌کرد و در برابر برنامه جابه‌جایی بناهای تاریخی به مکانی بالاتر و دفن کردن یکی از آنها در بتون مخالفت داشت. به‌عنوان رئیس شورای بین‌المللی آب‌نیسه و محوطه‌ها، او و گروهی از همکارانش این مورد را به دادگاه هم بردند. آنها در آخر بازنده شدند، زیرا هیچ کدام از شاکیان از ساکنان حسن کیف نبودند. کمپین‌های اعتراضی در سال ۲۰۰۹ موفقیت‌آمیز بودند و چندین شریک اروپایی را عمدتاً به‌خاطر آنکه ترکیه درخواست‌های مقرر در ارزیابی تأثیرات اجتماعی را برآورده نکرده بود، ناچار به پس گرفتن بودجه ساخت سد کردند.

امساردوغان در این راه ثابت‌قدم ماند. او به بانک‌های ترکیه دستور داد تا وارد برنامه شوند و بودجه پروژه را تأمین کنند. به‌نظر می‌رسید که پول مشکلی نباشد. دولت دو شهرک جدید برای جابه‌جایی ساکنان، یک بزرگراه نو و چندین پل برای دور زدن مخزن سد ساخت. کمپانی‌های نزدیک به دولت اردوغان موفق به دریافت قراردادهای ساخت‌وساز شدند. به گفته یک مقام اداری که از ترس انتقام می‌خواهد ناشناس بماند، این پروژه تبدیل به یک منبع پول‌سازی شد.

امین بولوت، یک خبرنگار محلی و کنشگر می‌گوید: «آنها ارقام وحشتناکی که به تریلیون‌ها لیر می‌رسد، خرج کردند. آنها می‌توانستند با این پول همه مشکلات در جنوب را حل کنند.» در سال ۲۰۱۲، مقامات دولتی به‌منظور پرداخت غرامت به آنها که بی‌خانمان می‌شدند، آغاز به ارزیابی املاکی کردند که قرار بود به زیر آب فرو روند. اما پول اینجانب تبدیل به موردی برای نارضایتی و ننجش شد، بین جوامع و حتی خانواده‌ها اختلاف ایجاد کرد و موجب برانگیختن اتهام اختلاس شد. مشاجرات گروه‌های متحد در برابر ساخت سد را متلاشی کرد. بی‌رسن آرگون، ۴۴ ساله که به همراه شوهرش هتل Hasbahce، تنها هتل در حسن کیف، واقع در باغی از درختان انار و گردو در امتداد رودخانه را اداره می‌کرد، می‌گوید: «زمانی که آنها برای ارزیابی خانه‌ها آمدند، ما همه تسلیم شدیم و این شرم‌را به جان خریدیم.» همسر او تلاش کرد تا بردارانش را از پول پیشنهادی به آنها منصرف کرده و با رفتن به دادگاه غرامت بیشتری درخواست کنند، اما همه با آنچه به آنها پرداخت شد، رضایت دادند. همه پول‌هایشان را از حساب‌های بانکی برداشتند، بدون آنکه به دیگران خبر بدهند. بسیاری از آنها که تلاش در ساماندهی یک جنبش اعتراضی کردند، در حسن کیف بزرگ شده بودند و حتی در خانه‌های قرار گرفته در غارهای ارگ به‌دنیا آمده بودند، مانند عارف ایهان ۴۴ ساله که در آغاز به گردشگران سکه می‌فروخت و سپس به معامله فرش رو آورد.

او می‌گوید که سیاست در کمپین اعتراضی موجب نفاق شد، به‌ویژه زمانی که طرفداران جنبش غیرقانونی حزب کارگر کردستان به اعتراضات علیه سد ملحق شدند، به شعار دادن

و هزاران هکتار از زمین‌های کشاورزی را آبیاری می‌کند. مقامات دولتی بر این نکته تأکید کرده‌اند آن زمان که برای پیشبرد سدسازی تصمیم گرفتند، نیروی برق آبی سبزترین گزینه برای استحصالی انرژی را به آنها ارائه کرده بود و به ترکیه این امکان را می‌داد تا کمتر به واردات زغال‌سنگ و گاز متکی باشد. اما بسیاری از آنها که خانه‌ها و منبع امرامعاش خود را از دست داده‌اند، می‌گویند که هیچ‌گاه در این مورد مشورتی با آنها انجام نشد. آنها آسیب‌دیده و دل‌چرکین هستند. بوم‌شناسان و باستان‌شناسان در ترکیه و خارج از آنجا نیز به دلیل از دست رفتن دره و همه گنجینه‌های آن خشمگین و ناامیدند و البته حال و روز کنشگران محیط‌زیستی از همه بدتر ...

تلاش‌های آنها برای نجات حسن کیف در مقابل اقتدارگرایی فزاینده اردوغان فروپاشیده شد. آنها می‌گویند که قوانین بین‌المللی که در مسیر دگرگونی نگرش پیرامون تغییرات اقلیمی و ارزش حمایت از محیط‌زیست همچنان می‌لنگند، برای حفاظت از این میراث فرهنگی بی‌صلاحیت و بی‌فایده بودند.

زینب آهوندبای، یک معمار فعال در زمینه حفاظت معماری، بیش از یک‌دهه برای نجات حسن کیف مبارزه کرد آن هم نه فقط برای گنجینه‌های باستانی آن، بلکه برای محیط طبیعی قدیمی‌اش.

او می‌گوید: «این دره را نگاه کنید که چه اندازه شکوهمند است. شما رودخانه را می‌بینید که صخره را قطع می‌کند و به پایین سرازیر می‌شود و در آخر به ارگ حسن کیف می‌رسد. این به‌راستی شگفت‌انگیز است! طبیعت و انسان به این مکان شکل داده‌اند. اختلال و یا تغییر روند طبیعی رودخانه یک جنایت است. شما زیبایی آن را، تاریخ آن را و طبیعت آن را از دست می‌دهید. شما در همه حال یک بازنده هستید.»

زمانی که اردوغان برای نخستین‌بار عزم خود را برای ساخت سد اعلام کرد، نه‌تنها از آن به‌عنوان منبع انرژی برای رشد اقتصادی ترکیه دفاع کرد، بلکه برای توسعه‌ای که سد می‌تواند به منطقه فقیر و پاشیده شده از شورش در جنوب‌شرق ترکیه به‌همراه بیاورد هم تأکید کرد.

این سد بخشی از طرح گسترده آبیاری پروژه جنوب‌شرقی آناتولی موسوم به گاپ است که در سال‌های ۱۹۸۰ آغاز شد. در سال‌های ۱۹۵۰، زمانی که برای نخستین‌بار این برنامه مطرح شد، کمتر به عواقب آن برای محیط‌زیست یا تبعات مهاجرت اجباری اهالی فکر شد. اما به مرور کنشگران از سازمان‌های مختلف به این جریان وارد شدند و سرمایه‌گذاران را در زمینه‌نگرانی‌ها در ارتباط با تبعات محیط‌زیستی، از بین‌رفتن میراث فرهنگی و آسیب‌رسانی به جوامع پایین‌دست در عراق و سوریه به چالش کشیدند. خانم آهوندبای با خود سد مخالفتی

محمد درویش
فعال محیط‌زیست

چند روز پیش، خانم کارلوتا گال، نویسنده اهل بریتانیا، مقاله تامل‌برانگیزی درباره تازه‌ترین بلندپروازی اردوغان در نیویورک تایمز منتشر کرد؛ مقاله‌ای که شاید بیشتر از ترکیه و عراق برای ایرانیان درس آموز باشد. درباره حسن کیف چیزی استثنایی وجود داشت که بازدیدکنندگان را در نگاه نخست عاشق خود می‌کرد. آبادبومی آراسته شده با مساجد و زیارتگاه‌ها، در زیر صخره‌های سنگی بزرگ در سواحل رودخانه تاریخی دجله. باغ‌هایش از انجیر و انار لبریز و چایخانه‌های پوشیده با تاک، روی آب آویزان بودند. تصور می‌شد که صخره‌های طلایی با حفره‌ها و غارهایی که مانند لانه‌های زنبور بودند، در دوران نوسنگی مورد استفاده قرار داشتند. یک قلعه تاریخی آنجا زمانی ضلعی از امپراتوری روم بود. باقی‌مانده‌ای از یک پل قرون وسطایی، دورانی را بیاد می‌آورد که این شهر یک مرکز تجاری ثروتمند در مسیر جاده ابریشم بود. اکنون همه اینها برای همیشه از دست رفته‌اند؛ فرو رفته زیر آب سد ایلیسو که سطح آن بالاتر می‌رود؛ جدیدترین پروژه غول‌آسای رجب طیب اردوغان که ۱۰۰ مایل از بخش فوقانی رود دجله و انشعابات آن از جمله این دره خیره‌کننده را غرق کرده است.

نگارنده بارها در طول ۶ ماه به‌همراه یک عکاس-ماوریسو لیمبا- به دیدار این منطقه آمده بود تا شاهد آخرین روزهای ناپدید شدن آهسته این دره تاریخی باشد. گسترش متداوم مخزن سد موجب بی‌خانمانی ۷۰ هزار ساکن مضطرب شده است. ثروت‌های باستانی کاوش نشده به‌همراه کشتزارها و خانه‌ها بلعیده شده‌اند.

آب‌های فزاینده در مخزن سد غول‌پیکر ایلیسو-۳ برابر بزرگ‌تر از سد کرخه در ایران- حسن کیف را به یادگاری غیرقابل بازگشت از تمدن‌های پیشین تبدیل کرده است که توسط یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های خاورمیانه در طول دوره‌ای چندصد هزار ساله این دره را تراشیده بود و به آن جذابیت می‌بخشید. زمانی که اردوغان در ماه مه تکمیل شدن پروژه را با به راه انداختن نخستین توربین این سد برق آبی جشن گرفت، توجه‌اش نه‌تنها به نگرانی‌های بلافاصل، بلکه به افتخارات آینده نیز جلب شده بود. او این قول را داد که (پروژه سد) صلح و سعادت را به جنوب شرق ترکیه خواهد رساند. او در مراسمی که از طریق ویدئو پخش شد، گفت: «نسیم صلح، برادری و رفاه که از سد ایلیسو خواهد وزید، برای قرن‌ها در این سرزمین حس خواهد شد. این سد میلیاردها لیر به اقتصاد کمک کرده